



نگاهی به چگونگی شناخت و پرکیمای مدیریت اسلامی

مصاحبه با دکتر سید سعید مرتضوی
عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

متن حاضر، مصاحبه‌ای است که در حاشیه همایش با دکتر سید سعید مرتضوی صورت گرفته است.

مشارالیه در ابتداء به زمینه‌های مطالعاتی خود در حوزه مدیریت اسلامی و سپس به تعریف مدیریت در اسلام پرداخته است و آنگاه مدیریت در غرب را با مدیریت اسلامی مقایسه و نظرات خویش را در این زمینه مطرح نموده است در خاتمه همایش مدیریت و رهبری را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

● ضمن تشکر، خواهش می‌کنم در ابتدای صحبت دربارهٔ مطالعاتی که در زمینه مدیریت داشته‌اید مختصری توضیح دهید.

□ به سهم خودم از برگزارکنندگان این همایش تشکر می‌کنم و امیدوارم که ان‌شاءالله این گام اولیه و ابتدایی هرچه بلندتر برداشته شود و حرکت از جهت شناخت مبانی مدیریت بویژه از دیدگاه اسلام انجام شود که جهان امروز نیازمند شناخت ابعاد در اصل تحول‌سازی دین در عرصه جوامع بشری است و این کار هم پیوسته ادامه یابد تا به نتایج و هدفهای این همایش برسیم. بنده فارغ‌التحصیل دانشکده مدیریت دانشگاه تهران در رشته مدیریت باگرایش مدیریت رفتار سازمانی هستم. بخشی از این مدت ۷ سالی، که به عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه فردوسی هستم، شامل سالهایی است که تحصیل را در دانشگاه تهران ادامه دادم و همزمان با آن، فرصتی برایم فراهم شد که در زمینه‌های تحقیقاتی فعالیت کنم و بویژه در مراکز صنعتی حضور یابم و در پروژه‌هایی که به ابعاد کاربردی مباحث مدیریتی ارتباط داشته است با دانشکده مدیریت همکاری داشته باشم. ضرورت پرداختن به مباحث مدیریتی برای من در این دوران و بویژه در جامعه‌ای که به سمت توسعه و تحقیق پیش می‌رود بسیار قابل توجه است. امیدوارم که ان‌شاءالله برای کاربردی کردن دیدگاه‌های نظری، پس از اینکه مبانی ارزشی و مبانی دینی با توجه به مطالعات تحقیقی فراهم شد، فرصتی و امکانی فراهم بشود.

● آقای دکتر اگر ممکن است شما تعریفی از مدیریت اسلامی بفرمایید و اینکه آیا ما مدیریت اسلامی

داریم یا خیر؟

□ البته این سؤال ساده‌ای نیست چرا که ما اساساً در تعریف هر موضوع نیازمند این هستیم که ابعاد آن را بدرستی بشناسیم. فکر می‌کنم که برای تعریف مدیریت اسلامی و معرفی کردن آن نیاز داریم که ابتدا از جنبهٔ ابتدایی‌تر توصیفی طرح کنیم. مدیریت اسلامی را به مفهوم اعم آن، مدیریت در جامعه‌ای می‌دانیم که ارزشهای دینی و ارزش اسلامی در آن وجود دارد؛ بدین معنا که آنچه را قرار است اداره و تدبیر کنیم، باید بر ارزشها و پایه‌های اعتقادی مبتنی باشد که این پایه‌ها و ارزشهای اعتقادی به عنوان

استوانه‌های عمل و مبانی در اصل ارزشی برای عمل کردن به شمار می‌رود. اگر من بخواهم حقیقتاً تعریفی ارائه بدهم، فکر می‌کنم برای ارائه تعریف جامع و مانع به تحقیق نیاز داریم.

البته ارتباط بین حوزه و دانشگاه و اندیشمندانی که در این زمینه تلاش می‌کنند، می‌تواند ما را به تعریف برساند. کلاً می‌توان گفت که مدیریت اسلامی باید از ارزشها و مبانی اعتقادی دین و اسلام نشأت بگیرد؛ لذا برای ارائه تعریف به زمان نیاز داریم تا اینکه به تفاهم رسیده و در قالب مباحثی که امروز در دنیا مطرح می‌شود، تعریف مناسبی بدست آید. شاید ما برای معرفی مدیریت اسلامی به گونه‌ای که بتواند زمینه‌های کاربردی و عملی را برای ما تبیین بکند، چون آن غنای لازم را داریم، آن چیزی که به عنوان دستمایه و خمیرمایه لازم هست، وجود دارد، ان شاء الله بتوانیم اینها را تلفیق و ترکیب کرده و بتوانیم آن را در قالب الفاظی محکم معرفی کنیم.

● با توجه به اینکه مدیریت اساساً در غرب متولد شده است و بیشتر نظریه‌پردازان آن هم غربی هستند، کاربرد این نظریه، با توجه به وضعیت عمومی و ارزشی که داریم، چگونه ارزیابی می‌کنید و اصولاً برخورد ما با این دانش چگونه باید باشد؟

□ اگر بخواهیم بدانیم آنچه را از ابتدای قرن بیستم در قالب مدیریت در کشورهای غربی مطرح شده است بگیریم و در کشورمان بکار ببندیم، راه درستی است، باید گفت خیر؛ چرا که اساساً در استفاده از نظریه‌ها بستر فرهنگی را اساس می‌دانیم و در برخورد فرهنگی، که به معنای اعم آن مجموعه‌ای از ارزشها، عقاید، مفروضات، آداب و رسوم است و حتی خود علم هم در آن می‌تواند قرار بگیرد، بستگی دارد که در کجا می‌خواهیم استفاده کنیم؛ ضمن اینکه معتقدیم ما به ایجاد تحول و شاید نوعی تأسیس در ارتباط با مسائل مربوط به مدیریت نیازمندیم که این تأسیس باید برخاسته از ارزشهای دینی خودمان باشد. پاسخ به سؤال این است که اولاً ما نیازمند این هستیم که از طریق تدوین مبانی مدیریتی بر مبانی اعتقادی و کتابهایی که در این زمینه داریم آن چارچوب و مفروضات مدیریت اسلامی را ترسیم کنیم و بعد در قالب آن مفروضات و

چارچوب است که مدیریتهای غربی را محک خواهیم زد. آنجا می‌تواند با نظریات ما وجه تشابه وجود داشته باشد، برخی از امور علی‌رغم اینکه در بعد فرهنگی مطرح می‌شود، وجه اشتراک هست. ما در همه دنیا در همه سرزمینها نهادی را به عنوان نهاد خانواده داریم. نهاد خانواده با فطرت بشر عجین است چرا که در آیات قرآن ما هم تأکید شده است که تشکیل خانواده به انسان آرامش می‌دهد و به بقای نسل می‌انجامد. گرچه در کشورهای مختلف در بین افراد و اقوام مختلف با توجه به وضع اقلیمی، باورها، ارزشها، آداب و رسوم، متفاوت است؛ اما به هر حال خانواده به عنوان یک نهاد مقبول وجود دارد. اگر ما بتوانیم از این دست مسائل را بیابیم درخواهیم یافت که می‌توانیم در یک تبادل و تمایز فرهنگی از مثبتها استفاده کنیم؛ اما اینکه ما همان تئوریا را بیآوریم و در داخل، آنها را در اصل، اسلامی کنیم بدون اینکه مفروضاتش را مورد سؤال قرار دهیم و آنها را مطالعه تطبیقی کنیم، قطعاً جواب، منفی خواهد بود.

● اگر بخواهیم در باره مدیریت اسلامی به اصول کلی و موضوعه برسیم از کجا باید شروع کنیم؟

□ قطعاً در ارتباط با خیلی از مسائلی که جامعه اسلامی با آن روبروست به منابع اربعه‌ای بر می‌گردد که ما داریم؛ یعنی ما به کتاب، سنت، عقل و اجماع مراجعه می‌کنیم. این منابع موجود است و ما می‌توانیم از آنها استفاده کنیم. فقط همت می‌خواهد و تلاشی مستمر و پیگیر تا آنچه به ما داده شده و ما امانتدار آنها هستیم، بتوانیم در حوزه‌های تخصصی مورد استفاده قرار دهیم. گروه‌های پژوهشی ایجاد، و از آنها استنتاج، استخراج و استنباط کنیم. با هماهنگی که با متخصصان فن، چه در دانشگاه و چه در حوزه‌ها، هست بتوانیم به آن مفروضات استنباطی برسیم. اگر بتوانیم برای شروع از این زاویه و از این نگرش وارد بشویم، قطعاً در ساختن این چارچوب مفهومی و فکری که بعد مباحث کاربردی از آن زاده می‌شود و یا تئوریا بر اساس این مفروضات و قضایا بر اساس این مفروضات به وجود خواهد آمد، خواهیم توانست مدیریت اسلامی را در قالب آنچه برای اداره جامعه لازم است به ثبوت و به ظهور برسانیم.

● با توجه به اینکه مدیریت در غرب از روش تجربی استفاده می‌کند و مادر حال حاضر از این روش در

زمینه مدیریت اسلامی نمی‌توانیم استفاده بکنیم، چگونه می‌توانیم به سمت مدیریت پیش برویم؟

□ من اعتقاد دارم حتی مدیریت غربی هم امروز به این باور رسیده که انسان و ابعاد او را نشناخته است. او بیشتر به انسان غریزی توجه کرده و انسان فطری را فراموش کرده است. به همین دلیل چیزی که امروز در دیدگاه نظریه پردازان غربی مطرح می‌شود بیشتر شناخت و یا بازنگری مجدد به انسان است. آنها انسان را نخواهند شناخت مگر اینکه به دین پناه بیاورند و با زبان دین، انسان را بشناسند و حقیقتاً زبان اسلام زبان انسانشناسی است. باید از طریق ارتباط با دین و با تکیه بر علوم دین آنها را معرفی می‌کند به این توانایی برساند. حتی در غرب هم در حال حاضر، مصداق داستان خوبی است که ما در میان خودمان داریم که گفته می‌شود ملانصرالدین پولش را در اتاقش گم می‌کند و بعد بیرون می‌آید و در بیرون دنبال پولش می‌گردد. کسی به او می‌رسد و می‌پرسد که چه شده است، می‌گوید من پولم را گم کرده‌ام، در کجا، در اتاقم؛ سؤال می‌کند که چرا بیرون را می‌گردی، می‌گوید چون بیرون روشتر است. این بحث الآن هم در غرب مطرح است؛ یعنی غرب آمده بیشتر از دید کوتاه و بُرد کم که روش علمی بر مبنای مشاهده و تجربه است خواسته آنچه را در ارتباط با مسائل انسانی است از بعد تجربی (تجربه) مشاهده، تبیین کند؛ چرا؟ برای اینکه به نظر می‌رسد این طریق در روشنی واقع شده است، در حالی که پول در تاریکی گم شده است؛ یعنی از شهود و از عرفان و از درون به دلیل اینکه نمی‌توانند ببینند فرار کرده‌اند. آنها که در غرب بودند امروز متوجه می‌شوند که گم شده در برون نبوده در درون بوده است. این مثالی که برای شما زدم شاید فکر کنید که این مثال تنها از ادبیات ما بیرون آمده است و بنده آن را استنباط کرده‌ام ولی جالب است وقتی بدانید که این حرف هنری مینتزبرگ نیز است. وی در کتاب *Management meanzebery on management* به این مثال اشاره می‌کند و غرب و اندیشمندان غربی را، که خودش هم در آن کسوت قرار دارد، توجه می‌دهد به اینکه ما تا دیروز در روشنی که فکر می‌کردیم می‌توانیم از آن طریق راه را پیدا کنیم حرکت کردیم؛ در حالی که ما باید بازگشت به خویش کرده، و به درون مراجعه کنیم. این نشان

می‌دهد که ما در متدلوژی و روش تحقیق مدیریت با توجه به اینکه مدیریت اگر هم به سازمان می‌پردازد به هدایت انسانها برمی‌گردد پس باید بازنگری داشته و چه بهتر که به عنوان طلبه‌داران شناخت انسان الهی این تعهد و مسئولیت را احساس کنیم که می‌توانیم از طریق گام‌گذاشتن در این صحنه‌ها و در این میدانها اندیشه‌ای را که امروز دنیا به آن احتیاج دارد و تشنه آن است عرضه کنیم.

● ارزیابی شما از همایش مدیریت و رهبری چیست و شما چه پیامی در این زمینه دارید؟

□ چون برای ورود به بحثهای زیربنایی مدیریت اقدام مبارکی انجام شده است باید به برگزارکنندگان تبریک گفت. آنچه می‌طلبم ما در سمینارها به آن توجه کنیم غنای موضوعات و مباحثی است که در این سمینارها باید ملحوظ نظر باشد؛ یعنی ما در این سمینارها با توجه به اینکه می‌خواهیم زمینه‌سازی و بسترسازی کنیم باید مشخص کنیم که ابعاد موضوعی سمینار ما آنجا که ما می‌خواهیم از فنون و روشها صحبت کنیم باید مبتنی بر تحقیقات تجربی انجام گرفته باشد و ما آن نتایج را مطرح کنیم و از طریق آن نتایج، تحلیل و تبیین کنیم که اینها تاچه حد می‌تواند نقاط ضعف و یا قوت تئوریهایی موجود را در ارتباط با مدیریت مطرح، و تا چه حد می‌تواند از طریق غنی‌سازی و یا با پالایش در آن دیدگاه‌ها ظرفیت عمل را فراهم کند؛ این یک بعد است؛ یعنی بعد کاربردی. بعد دیگر اینکه ما آن مبانی و استوانه‌های فلسفه وجودی مدیریت را طرح کنیم و در اصل برای اذهان کسانی که شنونده هستند، محورهایی را به عنوان رهنمود ارائه بدهیم که افراد از طریق طرح سؤال که انجام گرفته است در همایش به دنبال کاوش و یافتن جواب برای این محورها و یا تطبیق و تأمل بیشتر در ابعاد پژوهشی این محورها باشند. همایش باید در دو قسمت به کار خودش می‌پرداخت: اول اینکه برای اذهانی که متوجه شنیدن سخن ارائه‌کنندگان بوده است، سؤال برانگیزد و آنها را برای محورهایی که می‌تواند مبنای مطالعه باشد به تأمل وادارد تا معلوم شود فلسفه وجودی مدیریت در غرب چیست؛ این فلسفه وجودی در اسلام چیست؟ عواملی که موجب پیدایش نظریات مدیریتی بوده تا چه میزان در مسائل سیاسی، اجتماعی با مباحث اعتقادی، فرهنگی آن

محیطها نشأت گرفته است تا ما بتوانیم از طریق چیزی که دریافت می‌کنیم به دیدی تطبیقی و تحلیلی برسیم و بتوانیم در ضمن، دیدگاه‌های خودمان را هم مطرح کنیم تا ضمن اینکه به نسل امروز در علم مدیریت پاسخ بدهیم، بسترسازی و همچنین افق‌هایی را باز کنیم. دیگر اینکه کارهای تجربی و عملی که انجام شده است، و ما آنها را در عمل به عنوان نتایج کار داریم آنها را تصحیح کنیم، شرایطی برای تعمیم و تسریع پیدا کنیم، اگر نقیصه‌ای داشته است علل را از دیدگاهی که معتقدیم شناسایی کنیم، به لحاظ اعتقادی دین اسلام می‌تواند به اینها پاسخ بدهد و از آنها استفاده کنیم.

● از حضور جناب عالی در این مصاحبه متشکریم.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی